



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د. ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۲۱۳-۲۳۹

رتوریک سیاسی و الگویابی پارلمانی در نطق‌های عمومی فراکسیون امید و ولایت

تینا چهارسوقی امین^{۱*}، سید علی اصغر سلطانی^۲، محمدجواد حجازی^۳

۱. دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات، تهران، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم قم، ایران.

۳. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.

دریافت: ۹۶/۹/۱

پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۵

چکیده

رتوریک سیاسی از اشکال نوین علم رتوریک یا همان شیوه به‌کارگیری ابزارهای اقناع در کلام، به‌شمار می‌آید و به‌طبع آن رتوریک پارلمانی نیز که از مظاهر مهم گفت‌وگوهای سیاسی کشورهاست نیاز به مطالعه و بررسی قابل توجهی دارد. پنج کانون اصلی خلق (اتوس، لوگوس، پاتوس)، جاگذاری در متن، فصاحت، ارائه و به‌خاطر سپاری از فازهای مهم بررسی رتوریک سخنرانی‌ها از نگاه سنتی تا مدرن، هستند. در این تحقیق با هدف بررسی نقاط ضعف و قوت مذاکرات نطق عمومی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به خوانشی جدید از رتوریک پارلمانی در ایران خواهیم رسید و با بررسی الگوی نطق عمومی در نمایندگان دو فراکسیون امید و ولایت درمی‌یابیم که در بیشتر موارد فارغ از تفاوت در نوع پاتوس، ناطقین در بخش جاگذاری و ارائه دچار ضعف هستند. درنهایت، براساس نتایج به‌دست آمده هدف، ارائه الگویی جهت دستیابی به نطقی اصولی و منطبق با موازین رتوریکی ارائه است تا رتوریکی پویا و کارآمد را بر حسب نیازهای روز شاهد باشیم.

واژه‌های کلیدی: رتوریک، اقناع کلام، فن خطابه، مجلس شورای اسلامی ایران، رتوریک پارلمانی.

۱. مقدمه

نمایندگان منتخب مردم از زمانی که رسماً وارد مجلس شورای اسلامی می‌شوند و طی دوره‌ای

مشخص به‌عنوان نماینده قانونی مردم یک شهر به پای مذاکره در صحن علنی مجلس می‌رسند، به‌طور جدی متعهد می‌شوند نهایت تلاش زبانی و اقناعی خود را در تأیید یا رد مسائل مطرح‌شده در مجلس به نفع توسعه و سازندگی مردم، به کار گیرند. نحوه خطابه‌های ایرادشده از سوی این افراد که بازتابی از جامعه، تفکر، ریشه مذهبی و عقیدتی و سیاسی آن‌هاست، در روند بررسی طرح‌ها و لایه‌های پیشنهادشده در مجلس چنان اهمیت دارد که ما را به لزوم بررسی سازوکارهای پنهان و مؤثر بر آن واداشته است.

امروزه در تمامی دنیا بررسی‌های رتوریک برای کاندیداهای ورود به این ارگان مهم در حال انجام است تا معلوم شود که هر شخصی به‌طریق تمامی معیارهای اجتماعی، جنسیتی، حزبی، مذهبی، تحصیلاتی و... خود از چه سازوکارهای اقناعی برای جلب نظر مردم و تشویق آن‌ها به انتخابشان بهره برده است. اما بررسی گفتار و نطق این افراد بعد از انتخاب توسط مردم و هنگامی که مسئولیت مهم و خطیر نمایندگی گروهی از اقشار جامعه را برعهده می‌گیرند مغفول مانده است؛ زیرا نحوه بیان خطابه‌های این افراد در حیطه درخواست‌ها و مطالبه‌گری‌های مردم حوزه انتخابیه خودشان است که میزان توجه مسئولان را به رسیدگی به آن امر مهم برمی‌انگیزد و آن‌ها را در لزوم توجهشان به موارد ایرادشده به اقناع می‌رساند.

ابتدا با توجه به تعاریفی که در ادامه درباره رتوریک سنتی و کانون‌های مورد بررسی آن ارائه می‌شود، به خوانش جدید آن در بستر گفتمان سیاسی ایران با نگاه ویژه به مجلس شورای اسلامی به طرح مواردی در هر مورد کانونی خواهیم رسید که لزوماً برخاسته از نقاط ضعف و قوت دیده‌شده در بررسی نطق‌های عمومی مجلس هستند. هدف از ارائه این موارد، دستیابی به ارائه سخنرانی‌ای کامل و اقناع‌کننده است تا با عمل حداکثری به تعهد نماینده در به انجام رساندن مسئولیت‌های خود، به مذاکراتی متناسب با صحن مجلس شورای اسلامی دست یابیم.

در تعاریف فرهنگ‌نامه‌ای، رتوریک را به‌عنوان کاربرد مؤثر زبان برای اقناع یا مطالعه عناصر سبک و ساختار در نوشته یا سخن معرفی می‌کنند (Ilie, 2008: 4264). برای مثال لغت‌نامه آکسفورد (2008)، رتوریک را سخنرانی یا نوشته‌ای تعریف می‌کند که با هدف اثرگذاری بر مردم انجام می‌پذیرد؛ اما کاملاً دقیق یا صادق نیست. کانون‌های اتوس، لوگوس، پاتوس، فصاحت، ارائه، جاگذاری و به‌خاطر سپاری از موارد مهم بررسی رتوریک سنتی هستند

که همگی همچون زنجیرهایی درهم‌تنیده، ناطق را در ارائه سخنرانی‌ای اقناع‌کننده یاری می‌کنند و اساس چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۲. پیشینه تحقیق

در یونان باستان آموزگاران فلسفه را سوفسطائی^۱ می‌گفتند. اینان از شهری به شهر دیگر می‌رفتند و جوانان را دور خود جمع می‌کردند و در ازای حق‌الزحمه به تدریس می‌پرداختند. سوفسطائیان خطابه^۲، مناظره^۳ و دیگر فنونی را که برای موفقیت‌های اجتماعی و سیاسی لازم بود، به شاگردانشان می‌آموختند و همواره به دنبال کشف ذات حقیقت بودند. به علت همین حقیقت‌جویی، آن‌ها جزو کسانی بودند که به قسمت اعظم بحث معرفت‌شناسی، یعنی «امکان معرفت» پرداختند؛ اما نهایتاً سوفسطائیان قائل به این امر شدند که بحث بر سر حق و حقیقت بی‌فایده است و بهتر است به رتوریک یا فن‌بیان و خطابه بپردازند. از آنجایی که خطابه و فن بیان در آن روزگار به دلایل دعوای حقوقی بی‌شمار یونانیان و رسیدن به صدارت بسیار مهم بود، آن‌ها همیشه مشتریانی برای آموزش داشتند. فراگیری شیوه‌های بحث و استدلال یا به گفته آنتی‌های آن روزگار، رتوریک، از آموزش‌های ضروری وکلای دادگستری نیز بود. نیاز سیاستمداران، وکلای دادگستری و بسیاری از شهروندان به آموختن شیوه‌های بحث و گفت‌وگو به پیدایش معلمان رتوریک منجر شد (خندان، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۹).

معلمان رتوریک در آموزش‌های خود بر شکل‌سوری و ساختار استدلال تأکید می‌کردند و همین تأکید از زمینه‌هایی بود که افلاطون، فیلسوف بزرگ یونانی، معلمان رتوریک را متهم کرد که حقیقت را در پای شکل و صورت استدلال قربانی می‌کنند. سوفسطائیان که نخستین معلمان رتوریک بودند، در ارتقای فلسفه و منطق نقشی مهم ایفا کردند؛ اما منتقدان آن‌ها تصویری نادرست از آنان ساختند و این تصویر نه‌چندان درست تا آنجا جا افتاد که اصطلاح سوفسطائی با سفسطه و مغلطه و بازی‌های زبانی و منطقی یکی و سوفسطائیان به کسانی شهره شدند که ادعاهای نادرست را با استدلال‌های قانع‌کننده اثبات می‌کنند؛ اما این شهرت منفی تمامی حقیقت نبود و نقش مهم سوفسطائیان را در پیشبرد فلسفه و منطق می‌پوشاند. بسیاری از بزرگان سوفسطائیان چون پروتاگوراس^۴، تنها فیلسوفانی شکاک بودند که مفاهیم

اولیه معرفت‌شناسی را طرح‌ریزی می‌کردند و به هیچ‌وجه سوفسطائی در معنای سفسطه‌گر و فریب‌کار نبودند (لطفی، ۱۳۹۰).

ایسوکراتس^۶ سوفیسطی دیگر است که در ۳۵۳ سال قبل از میلاد مسیح توانایی متقاعد کردن انسان‌ها را عاملی بر آن می‌داند که نه تنها به تمایز زندگی آن‌ها با حیوانات منجر می‌شود؛ بلکه باعث اجتماع آن‌ها، به‌وجود آمدن قوانین و پیدایش هنر شده است. گفتار تقریباً مسئول تمام اختراعات ماست و به قانون‌گذاری در مسیر عدالت و بی‌عدالتی و خوبی و بدی منجر می‌شود و بدون این قوانین ما نمی‌توانستیم کنار یکدیگر زندگی کنیم. با این وسیله ما بدی را طرد و خوبی را می‌ستاییم، تحصیل می‌کنیم و منبع هوش را درمی‌یابیم. ما سخن گفتن را بهترین نشانه از یک ذهن خوب می‌دانیم که مستلزم صداقت، قانون‌مندی و صداقت است. ما توسط گفتار برسر مسائل با یکدیگر بحث و استدلال‌سازی می‌کنیم تا یکدیگر را قانع سازیم. گفتار، رهبر افکار و اعمال ماست که باهوش‌ترین افراد از آن به درستی بهره می‌برند (Mirhadi & Leetoo, 2000: 251).

رتوریک که در اصل هنر سخن گفتن به نحوی مؤثر و اقناعی بود رفته‌رفته به علمی تبدیل شد که در بررسی اصول و قوانین انشا، یعنی نوشتن به نحوی مؤثر و اقناعی در نظر گرفته شد و نظام و ساختار منسجمی پیدا کرد و پایه‌های بلاغت فرنگی را بنا نهاد و در بلاغت اسلامی نیز بیشتر در گستره علم معانی بررسی شد (شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۲). ارسطو رتوریک و دیالکتیک را مقابل هم می‌داند که هرکدام با حقیقت مسائل همانطور که هست، سروکار دارند و با دانش همه مردم سنجیده می‌شوند؛ اما علمی مجزا از هم را تشکیل می‌دهند. وی رتوریک را به‌عنوان به‌کارگیری ابزارهای موجود اقناع تعریف می‌کند که اثرش با هیچ شاخه هنری دیگری قابل مقایسه نیست (Kennedy, 1991: 354).

بلاغت مفهومی است که از گذشته‌های دور دربرگیرنده دو مفهوم خطابه و زیبایی‌شناسی بوده‌است (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۰). پیوند خطابه و بلاغت در آرای ارسطو در کتاب **خطابه**، کوئین تیلیان^۷ در **ترتیب خطیب** و سیسرو^۸ در **درباره خطیب** به چشم می‌خورد (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). آمیزه تعلیمات این سه تن، غرب را رفته‌رفته به سوی تمرکز بر بلاغت واداشت و قوانین خطابه که تنها منبعی برای آموزه‌های سخنوری بودند به قوانین بلاغت تغییر پیدا کردند. تأثیر و سیطره ارسطو در بلاغتی که حاصل پیوند با خطابه است و آن را رتوریک می‌نامند (و حتی در

بلاغت اسلامی) انکار نکردنی است؛ زیرا او بود که برای نخستین بار صنایع ادبی را در فن خطابه نه در فن شعر بررسی کرد و معتقد بود که اقناع مهم‌ترین هدف به کارگیری آن‌ها به‌شمار می‌آید. او خطابه را فنی معرفی کرد که از همه ابزارهای زبانی به منظور اقناع و به اقتضای مورد، بهره می‌گیرد. بنابراین، برای بازشناسی ابزارهای زبانی از صناعات مختلفی که ممکن است خطیب از آن‌ها برای تأثیر نهادن بر مخاطب استفاده کند مانند تمثیل، تشبیه، استعاره، اغراق، جناس و غیره بحث کرد و در مورد هر یک توضیحات مبسوطی ارائه داد (ارسطو، ۱۳۹۲: ۲۲۴-۲۴۴).

از سال ۱۹۵۰ در مباحث ادبیاتی ارتباط بین خواننده و نویسنده قوت گرفت و با این رویکرد نگاه به رتوریک بار دیگر در قالبی جدید درخشید. به همین علت علم بازشناسایی عناصر زیبایی سخن و آرایه‌های ادبی قوت گرفت و در مطالعات ایرانی نیز به تبع مطالعات اسلامی جنبه‌های ظاهری و صوری کلام بیشتر مورد تأکید قرار گرفت. در صورتی که رتوریک مورد نظر ارسطو و پیروان خطابه‌های وی بسیار چارچوبی فراتر از آرایه‌سنجی و بررسی زیبایی سخن دارد. البته این به معنای نادیده انگاشتن کلی رتوریک و اقناع نیست؛ بلکه در بلاغت اسلامی معانی، بیان و بدیع به‌عنوان جنبه‌هایی از این علم بررسی و مطالعه شد (Klyn, 1968: 6-8).

درخصوص رابطه بین رتوریک و علوم سیاسی، سیسیرو حدود ۹۰ سال قبل از میلاد مسیح، برای باور بوده است که نظام علمی‌ای از سیاست وجود دارد که شامل بخش‌های مختلفی است که یکی از مهم‌ترین این بخش‌ها فصاحت و شیوایی سخن بوده که بر پایه قوانین هنری استوار است و به آن رتوریک گویند. بنابراین این ایده که علم سیاست بی‌نیاز از علم فصاحت است کاملاً اشتباه است و توانایی سخنوری یکی از مهم‌ترین بخش‌های علم سیاست شناخته می‌شود. عملکرد فصاحت آن است که به روش مناسبی سخن گویند تا مخاطب متقاعد شود و هدف نهایی به اقناع رساندن توسط گفتار است (Hubbell, 1949: 6). سخنران عالی کسی است که گفتارش به مخاطبان دستورات لازم، شعف و انگیزه و تحرک افکار را هدیه دهد. سخنران موظف به دادن آموزش‌ها و دستورات لازم طی سخنرانی‌اش است؛ اما دادن لذت و شعف به سبب تأثیرگذاری بر آن‌ها، هدیه‌ای مجانی از وی به مخاطبان‌اش است (همان: ۴). برای دریافت معنای واقعی کلمه سخنران^۸، این تعریف سیسیرو بسیار شایسته توجه است که سخنران کسی است که درباره موضوع موردنظر سخنرانی‌اش را با دقت و اشراف کامل حفظ

و در حالی آن را ایراد می‌کند که رفتار کلامی متفکرانه‌ای، با روی خوش و برخوردی عالی و نهایتاً رفتاری برجسته را در ارائه‌ای با بالاترین درجه کرامت به انجام می‌رساند (May & Wisse, 2001: 64).

از نمونه پژوهش‌هایی که با تأکید بر جنبه بلاغت زبان به انجام رسیده‌اند، خرمی (۱۳۹۲) با تبیین جایگاه تکرار در زبان و نقش آن در قرآن و شعر قدیمی، هدف از تکرار را در شعر قدیم عربی بیشتر تأکید و مبالغه می‌داند تا تصریف در بیان و مفهوم تکرار نزد ناقدان و بلاغیان. تکرار همیشه از عوامل مخل، به‌شمار نمی‌آید؛ بلکه برعکس گاهی بلاغت کلام در گرو آن نهفته است. بسیاری از نمونه‌های تکرار، اغراضی غیربلاغی دارند، به‌طوری که لازم نیست همیشه از منظر بلاغت به مسئله تکرار بنگریم. با این توضیح دیگر حیطه بررسی در این دسته از پژوهش‌های رتوریکی از تمرکز بر بلاغت خارج شد. رمضان‌کیایی و منسوب بصیری (۱۳۹۱) در پژوهشی نادر بر جنبه سخن‌ورزی رتوریک تأکید داشتند و تأثیر آن را در متون حماسی شاعران لاتین پیش از انثید بررسی کردند و ویژگی‌های برجسته این شاهکار حماسی جهان را در حوزه معانی، بیان و بدیع نشان دادند. آن‌ها با بررسی بلاغی ابیات باقی‌مانده از این کتاب حماسی چنین نتیجه می‌گیرند که دستور زبان لاتین کلاسیک که ویرژیل بزرگ‌ترین نماینده آن در نظم و سیسرون در نثر است، با تمایز آشکار از لاتین عامیانه و باستانی، در شکل‌گیری شیوه بیان و بلاغت انثید سهم بسیاری دارد.

ارسطو تعریفی که از رتوریک ارائه می‌دهد با عنوان «ابزارهای موجود اقناع»، بیشتر آن را از منظر ابداع و خلق نگاه می‌کند تا تصورات سخنورانه عملی که به منظور سخنرانی به‌کار می‌رفته است. به عبارت دیگر وی رتوریک را مطالعه در جهت یافتن استدلال‌های جذاب و قانع‌کننده می‌داند و سپس فنی برای اثرگذاری و اقناع‌کنندگی متن یا سخنرانی. در مقایسه با رتوریک افلاطون که آن را در بستر مباحث یا هنرهای دیگر مانند دیالکتیک، منطق، یا شعر سنجیده می‌شد، ارسطو موضوع اصلی رتوریک را در خودش یعنی در نحوه اقناع‌سازی جست‌وجو می‌کرد. اینکه رتوریک همیشه تضمین‌کننده دستیابی به اقناع نیست، موضوع دیگری است که ارسطو آن را همان بعضاً باز ماندن علوم در توجیه و قانع‌سازی خود می‌داند (Herrick, 2005:76).

همانطور که در مطالعات کمپبل^۹ مشهود است، وی مرکزیت مطالعات رتوریکی را بر

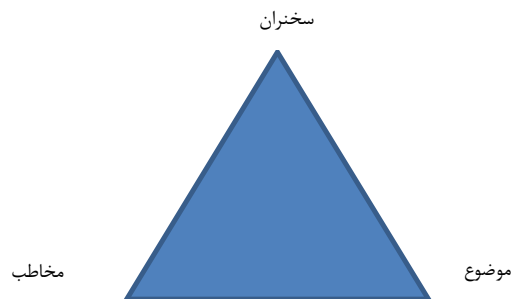
اثرگذاری و استدلال‌سازی استوار می‌داند (Herrick, 2005: 189). تا جایی که با ورود به قرن بیستم و سیر مطالعاتی پرلَمَن^{۱۱} عنصر ارتباطی وارد مطالعات رتوریک شد و کاربردی بودن استدلال‌ها بر میزان تأثیرگذاری آن‌ها در برقراری ارتباطات مورد ارزیابی قرار گرفت. در این نقطه از تاریخ، رتوریک از دیدگاهی که آن را تنها یک وسیله تزئینی در نظر می‌گرفت، جدا و به شاخه‌ای مجزا در علم مبدل شد (همان: ۲۱۷). در اواخر قرن بیستم، با ظهور آثار اندیشمند فرانسوی میشل فوکو^{۱۱} چرخشی در بسیاری از علوم سیاسی، اجتماعی و روان‌شناسی ایجاد شد که مبحث رتوریک و فن سخنوری نیز در این میان بی‌تأثیر نمانده است. ظهور آثار کانونی قدرت که در مرکزیت آثار متأخرتر فوکو عامل اصلی تغییر در زاویه دید بوده است، بر بدنه اقناع مؤثر واقع شد و اینکه فرد اقناع‌گر چه قدرتی در سخنان خود دارد و یا حالات احساسی شنوندگان بازوی قدرتی برای اعمال فشار بر سبک سخنرانی فرد است، کانون توجه و بررسی واقع شد (همان: ۲۴۹-۲۵۱). مک‌هول بر این باور است که امور هرچند تخصصی یا عمومی، هرگز خود به خود صورت نمی‌گیرند؛ بلکه نیرویی در پس انجام آن‌ها به شکل‌گیری و جهت اعمال آن منجر می‌شود که همان قدرت در دیدگاه فوکوست (McHoul, 1977: 39).

در سال‌های اخیر تحقیقات در رتوریک سیاسی بر مفاهیم واقعی متداول در دنیای سیاست متمرکز شده است؛ مانند مطالعاتی که بر جنبش‌های اجتماعی انجام شده است (Chavez, Griggs & Howarth, 2011; Endres & Senda-Cook, 2011) و گروه‌های معترض (Eaton, 2004; Sowards & Renegar, 2006) و گروه‌های فعال سیاسی در دنیای مجازی (Sommerfeldt, 2011; Condor et al., 2013: 265-267).

بیشتر مطالعات تجربی از رتوریک سیاسی بر ارتباطات رسمی‌تر سیاسی مانند مذاکرات پارلمانی متمرکز می‌شود که اکثراً در مرحله تبلیغات کاندیداها هستند و فراتر از این مرحله پیش نرفته‌اند؛ از جمله مطالعاتی بر کمپین‌های تبلیغاتی و بازاریابی‌های آن (Fridkin & Kenney, 2010; Jerit, 2004; Payne, 2010) مطالعه بر سخنرانی‌ها، متون یا فیلم‌ها و مستندات تاریخی (Tileaga, 2009; Terrill, 2009, 2011) و در نهایت مطالعه بر سطح آگاهی عمومی از مهارت‌های رتوریکی و اقناع باراک اوباما نسبت به سایر رقیبان سیاسی وی (Coe & Reitzes, 2010; Isaksen, 2001; Toye, 2011).

۳. چارچوب نظری

ارسطو بر آن است که هنگامی که سخنور یا سخنران اندیشیدن دربارهٔ چگونگی ایراد سخنرانی را آغاز می‌کند، باید سه مؤلفه را مدنظر قرار دهد: موضوع^{۱۲}، مخاطب^{۱۳} و سخنران^{۱۴}. این سه به هم متصل و به هم وابسته‌اند و بنابراین مانند نمودار ۱ مثلثی را تشکیل می‌دهند.



شکل ۱: مثلث رتوریک ارسطو

Figure 1: Aristotle's rhetorical triangle

تفکر دربارهٔ موضوع به معنای آن است که نویسنده/سخنران ارزیابی کند که از قبل چه می‌داند و چه چیزهایی را نیاز هست که بداند، دیدگاه‌ها را بررسی کند، و تعیین کند چه نوع مدارک و شواهدی از همه مفیدترند. مدنظر قرار دادن مخاطب به معنای اندیشیدن دربارهٔ انتظارات، دانش و وضعیت خواننده با توجه به موضوعی است که نویسندگان بدان می‌پردازند. استفاده از تجربه و مشاهده، ارسطو را به رأس سخنران مثلث می‌آورد. نویسندگان با استفاده از این دانش که آن‌ها چه کسانی هستند، چه می‌دانند و چگونه احساس می‌کنند، چه چیزهایی دیده‌اند و چه کارهایی انجام داده‌اند، می‌کوشند نگرش‌های خود نسبت به موضوع و درکشان از خواننده را دریابند. ارسطو این مؤلفه‌های رتوریک را برگرفته از تجربهٔ زیستی می‌داند. سخنرانان می‌دانستند چگونه ارتباط برقرار کنند؛ زیرا سخن می‌گفتند و می‌شنیدند، می‌خواندند و با دیگران مجادله می‌کردند (Roskelly, 2008: 5-7).

اگر رتوریک را یک هنر بدانیم، نشانه‌های هنری موردنظر ارسطو شامل استدلال‌سازی

منطقی (لوگوس)، دلایل احساسات و وسیع بشر (پاتوس) و شخصیت انسان نیک‌سرشتی وی (اتوس)، است (Herrick, 2005: 82). شاید در دوران سادگی سخنرانی‌ها، تنها توجه به همین سه فاز کانونی برای بررسی خطابه کافی بوده است؛ اما بعدها لزوم بررسی کانون‌های دیگر نیز ضرورت یافت. مارتیانوس^{۱۵} حدود سال ۴۱۰ پس از میلاد مسیح وظیفه یک معلم فن سخنوری را مشتمل بر ۵ قسمت می‌داند: جوهر مطلب (مجموعه‌ای معقول و گردآوری‌شده از مسائل و استدلال‌ها)، ترتیب (اینکه مطالب با چه آرایش و ترتیبی تنظیم می‌شوند)، انتخاب لغت (انتخاب واژگان و اشکال مختلف و مناسب و درخور مطالب)، حافظه (نگهبانی استوار برای مطالب و انتخاب واژه‌های ما) و انتقال (کنترل صدا، حرکات بدن در جهت انتقال میزان اهمیت مطالب و تأثیرگذاری واژگان انتخاب‌شده (Stahl, Johnson & Burge, 1977: 162)).

با توجه به مجموع تعاریف مدرنی که از رتوریک سنتی ارائه شده است، می‌توان کانون‌هایی اصلی جهت بررسی رتوریک ارائه کرد که در تمامی متون قابل تعمیم باشد. این عناوین با دیدگاه سنتی خود زاویه‌ای نداشته؛ بلکه با پیشرفت سطح خطابه‌ها و سخنرانی‌ها و متون قابل بررسی، چرخشی روبه جلو داشته و از ابزاری زینتی در زبان به بخش جدایی ناپذیر در کاربرد آن مبدل شده است (Cockcroft & Cockcroft, 2005): خلق^{۱۶}، جاگذاری^{۱۷}، فصاحت^{۱۸}، تحویل^{۱۹} و به‌خاطر سپاری^{۲۰}.

۱. خلق، به معنی انتخاب شواهد و استدلال‌های رتوریکی مناسب با گزاره‌های اقناع است. یعنی عمل یافتن استدلال‌هایی که در شرایط مورد بررسی در دسترس هستند. این مرحله توسط شرایط رتوریکی موجود هم تغذیه می‌شود و هم محدود. گوینده به دنبال استدلال‌ها دستورالعمل‌ها و یا ایده‌هایی است تا توسط آن به تشریح شفاف وضع موجود بپردازد. به عقیده برت و کیت مک‌کی^{۲۱} (2011) سه تقسیم‌بندی مهم در این فاز وجود دارد که جهت‌گیری اصلی گوینده را ترتیب می‌دهد. اگرچه یک نطق کامل به نسبت مساوی و یکسان از هر سه این مراحل بهره می‌برد؛ اما عموماً جهت‌گیری خاص گوینده به یکی از این مراحل و تأکید بر آن، آن را به نسبت بقیه برجسته‌تر می‌کند و چارچوب غالب نطق وی را رقم می‌زند:

✓ اتوس (اعتبار، اطمینان یا قدرت سخنگو):

اقناعی را که بالقوه ناشی از شخصیت گوینده یا اعتبار شخصی وی است اتوس دانسته‌اند. ارسطو سه ویژگی رقم‌زننده اتوس سخنران را هشیاری^{۲۲}، اخلاق‌مداری^{۲۳} و داشتن حسن نیت^{۲۴}

برمی‌شمارد. اِتوس جامعه‌شناسی شخصیت خواهد بود؛ زیرا پذیرفتنِ جامعه در گروِ باور کردنِ شخص خواهد بود. ارسطو اِتوس را مهم‌ترین شاهد برای اقناع مخاطب می‌داند؛ زیرا وقتی مخاطب بداند سخنران فردی باهوش، بصیر، آگاه، صادق و خوش طینت و خوش‌نیت است، بسیار سریع‌تر پذیرای آرای وی خواهند بود (Herrick, 2005: 82-84).

پاتوس (جذابیت‌های احساسی برای شنونده‌ها):

ارسطو با نگاهی منتقدانه به آن دسته از سخنرانان که از احساساتِ مخاطبان غافل هستند، در نظر گرفتن احساسات مخاطبان را پاتوس می‌داند و آن را قرار دادن مخاطبان در چارچوب درستِ ذهنی تعریف می‌کند. اصطلاح پاتوس که زاویه دیدی شنونده‌محور است، اغلب برای اطلاق به جاذبه‌های احساسی یا اثرگذاری‌هایی استفاده می‌شود که با پیامی قانع‌کننده مخاطب را به مرحله انجام عمل می‌رساند. پاتوس تنها جلب نظر احساسی نیست؛ بلکه روان‌شناسی احساسات و تمیز دادن تفاوت‌های ریز و دقیق آن‌هاست (Herrick, 2005: 84).

لوگوس (استفاده از شواهد، مثال، قدرت یا دلیل در خودِ سخنرانی):

استدلال‌سازی به کمکِ قیاس‌های خطابی که در مقایسه با قیاس‌های منطقی درجه پذیرفتگی بالاتری دارند و به صورت پیش‌فرض بین گوینده و شنونده مشترک هستند. این بخش با دلیل‌سازی، ارائه مثال و شواهد کاربردی مناسب، ارجاعات دستوری و قانونی و بهره‌گیری از قانون و تبصره و بند و ماده در مستدل و معقول‌سازی نطق گوینده ارتباط دارد. همانطور که جان رندل نوشته است که لوگوس «عملکرد منطقی» است (Randall, 1960: 253). در رتوریک ارسطو از لوگوس برای ارجاع به شواهد موجود در لغات، استدلال‌ها یا منطق کلام استفاده می‌کند. در واقع، لوگوس مطالعه استدلال‌سازی به خدمت گرفته‌شده در تصمیم‌گیری‌های عملی با توجه به قیاس‌های خطابی خاص، است (Herrick, 2005: 83).

۲. جاگذاری، یعنی هراندازه ترتیب و توالی قسمت‌های مختلف متن منظم‌تر و شفاف‌تر باشد ذهن شنونده راحت‌تر و بهتر موضوع مورد نظر را دریافت می‌کند و درگیر یافتن نقطه شروع و پایان حرف و اینکه در هر لحظه از نطق در کجای سیر بیانی فرد است، نمی‌شود. تقسیم‌بندی لباو^{۲۰} (1972) که حتی معتقد است به صورت ناخودآگاه در گفتار سخنران جاری می‌شود، هنوز هم به‌عنوان یک توالی ساده؛ اما درست قابل اتکاست. در یک سخنرانی به طور معمول شش توالی اولیه وجود دارد (Cockcroft & Cockcroft, 2005: 137): مقدمه^{۲۱}، روایت^{۲۲} (بیان کلی

موضوع)، تقسیم‌بندی^{۲۸} یا خلاصه‌نویسی از نکته‌های اصلی، تأیید^{۲۹} یا مدارک معتبر از موضوع، تکذیب^{۳۰} یا رد گزاره‌های احتمالاً مخالف و نتیجه‌گیری^{۳۱}.

۳. فصاحت، انتخاب واژه یا به عبارتی انتخابی خاص از زبان رسمی در تلفظ، دستور زبان، سبک، و تن است. فصاحت در رتوریک سنتی شامل تصمیم‌گیری نسبت به این است که چه سبکی مناسب موضوع و شنونده‌هاست. اشکال مختلف تفکر یا همان کاربرد استعاری زبان^{۳۲} که شامل تمامی معانی غیرمستقیم یا غیر کلامی نیز هست و در دیدگاه ادبی متداول‌اند: کنایه، استعاره، مجاز، جان‌بخشی، جناس، تشبیه و مجاز کل به جزء. اشکال مختلف گفتار تجانس^{۳۳} (تکرار هم‌خوان‌های ابتدای واژه یا سیلاب)، تکرار یک یا چند عبارت متوالی^{۳۴}، عبارات متناقض^{۳۵}، مراعات نظیر و عباراتی که مانند آینه منعکس هم هستند^{۳۶}، عبارات پلکانی^{۳۷} (یک لغت پایان عبارت در شروع عبارت بعدی تکرار می‌شود) و عبارات سه‌گانه^{۳۸} (عباراتی با یک الگوی مشابه به صورت متوالی سه بار تکرار می‌شود) (Cockcroft & Cockcroft, 2005).

۴. چهارمین فاز مورد بررسی مهم در رتوریک نحوه ارائه متن یا نحوه انتقال نطق است. بررسی میزان و شدت و بلندی صدا، حرکات دست و سر و بدن و صورت، نحوه ایستادن و هنر انتقال رودررو و حتی نوع پوشش لباسی ... آنچنان مهم است که بعضاً متخصصان خاص خود را جهت بررسی می‌طلبند. رتوریک سیاسی نیز با توجه به اهمیت آن، سبک تحویل خاص خود را دارد که هم متأثر از وضعیت موجود و هم تأثیرگذار بر آن است. در این میان رتوریک پارلمانی به جهت حفظ شأن نماینده در صحن ارائه نطق، اهمیتی فراوان دارد (Herrick, 2005: 97).

۵. آخرین فاز در بررسی رتوریکی نطق، هنر به‌خاطر‌سپاری است که در نوع خود می‌تواند در نگاه و قضاوت و اقناع شنونده نسبت به گوینده بسیار مؤثر باشد. هنر به‌خاطر‌سپاری متن نطق در درجه ابتکار عمل در نحوه بیان یعنی فاز چهارم، در رعایت درست بیان، فصاحت کلامی و مواردی که با تکرار یا استعارات دشوار گره خورده‌اند، یعنی فاز سه، در دقت در جاگذاری و بیان درست توالی و موارد نطق یعنی فاز دو و در نهایت نحوه نشان دادن اعتبار و قدرت گوینده و اشراف شخصی وی به موضوع نطق و اثربخشی آن مؤثر است؛ زیرا حتی می‌توان بدین وسیله در مقام رد استدلال‌های مخالف یا پرسش‌های غیرضروری یا گاهی مقرضانه برآمد (Herrick, 2005: 97). از طرفی گوینده با نشان دادن قدرت حافظه خود و اطمینان و اعتماد به

نفس بر میزان اعتبار نطقش می‌افزاید و فرصت ایجاد ارتباط چشمی با شنونده خود را می‌یابد. در رتوریک پارلمانی با توجه به حساسیت نطق، فشار روانی وارد بر گوینده هنگام نطق و حساسیت ارجاعات قانونی و آماری، درصد به‌خاطر سپاری طبیعتاً پایین می‌آید و گوینده سهم بیشتری از متن را با نگاه به یادداشت‌های شخصی خود بیان می‌کند که می‌تواند با هنری در نوع نگاه یا نحوه ایستادن شکلی زیباتر به آن بدهد.

بنیان‌گذار و معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خمینی^(ع) درباره اهمیت مجلس این‌طور فرمودند که: «مجلس یک چیزی است که در رأس همه اموری که در کشور است واقع است. یعنی مجلس خوب همه چیز را خوب می‌کند و مجلس بد همه چیز را بد می‌کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۲۷۹). انتخابات مجلس شورای اسلامی، دوره اول در ۷ اسفند ۱۳۹۴ و دوره دوم در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵، پایان گرفت و نتیجه برگزاری این انتخابات و حضور قابل توجه مردم پای صندوق‌های رأی در سراسر کشور، راهیابی ۲۸۹ نماینده به مجلس بوده است. از ۲۸۹ نماینده منتخب که فعالیت خود را در مجلس دهم از ۷ خرداد ۱۳۹۵ آغاز کرده‌اند، ۷۷ نفر در مجلس نهم نیز حضور داشته‌اند؛ همچنین در حال حاضر ۱۷ نماینده خانم صاحب کرسی هستند که طی ادوار گذشته این تعداد در بیشینه خود بوده است.

از آنجایی که این بخش با بررسی نطق‌های عمومی نمایندگان و تحلیل رتوریک آنان از نظر ارائه نطق درخور صحن علنی مجلس، شأن نمایندگی و انتقال مطالبه‌گری‌های مردم امیدوار حوزه انتخابیه وی است، انتظار می‌رود که گرایش‌های سیاسی نمایندگان، در چگونگی خطابه-پردازی‌های آنان مؤثر واقع نشود. با این حال، از تأثیر تفکرات و گرایش‌های سیاسی آن‌ها نمی‌توان غافل شد. با این توضیح هنگام بررسی آمار حاصل از تقسیم‌بندی‌های سیاسی نمایندگان در می‌یابیم که کرسی‌های حاضر به ۴ دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شوند: اصول‌گرایان، اصلاح-طلبان و اعتدالیون، مستقلین و اقلیت‌های دینی. تعداد دقیق از این تقسیم‌بندی‌ها با توجه به آمار مختلف جرایدی چون کیهان، آفتاب یزد، اعتماد، آرمان، ایران و جوان تعداد متغیری با اختلاف یک تا سه موردی از این گرایش‌ها به دست آمد. در این میان خبرگزاری مهر با انتشار آماری در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ بر گمانه‌زنی‌ها پایان داده و تقسیم‌بندی این چنین ارائه کرده است، اصول-گرایان ۱۱۵ نفر، اصلاح‌طلبان و اعتدالیون ۱۲۰ نفر، مستقلین ۴۹ نفر، اقلیت‌های مذهبی ۵ نفر که در مجموع ۲۸۹ نماینده را تشکیل می‌دهند.

نمایندگان، پیرو قوانینی در آیین‌نامه داخلی مجلس، امکان ایرادِ نطقِ عمومی را در صحن مجلس دارند. زمانِ مذکور بین ۷ تا ۱۰ دقیقه متغیر بوده و مضامین موردِ بررسی در حجمِ بیشتر بیانِ مطالباتِ مردمی حوزه انتخاباتی نمایندگان است تا سایر نمایندگان. مسئولان کمیسیون‌ها، وزیران یا نمایندگان آن‌ها مسائل را می‌شنوند و در توجیه ضرورتِ توجه و در دستورکار قرار دادن آن‌ها به هر شکلِ مقتضی متقاعد می‌شوند. ضرورتاً هر چه قدر نمایندگان در بیانات خود قوی‌تر و سازمان‌بندی شده‌تر ظاهر شوند، وظیفهٔ ارائه را درست‌تر پیش برده‌اند؛ زیرا ارائه، اولین گام و اقناع‌کننده‌ترین راه در صدای مشکلاتِ مردم و پل ارتباطی بین مردم و دولت است. حجم اندک دیگری از این بیانات پیرو مسائل روز و جاری در کشور مخصوصاً از لحاظ استناد به مسائل و رویدادهای تاریخی است. قدم ارائه، گاه می‌تواند آن‌چنان کامل و شیوا باشد که ضمن حفظ شئونات صحن، شأن نماینده به‌عنوان نمودی از بدنهٔ پارلمانی کشور و جلب‌نظر مسئولان ذی‌ربط به مطالبات، بلندترین و سازنده‌ترین گام باشد. همین‌طور گاه می‌تواند جلوه‌ای مخدوش از خود را بسازد که عدم اشراف به محوریت مطالبات، عدم تخصص در حوزه مسائل مربوطه و نزول شأنِ صحن مجلس را، که نمودی بین‌المللی نیز دارد، در پی داشته باشد.

یک خطابهٔ سیاسی با سخنرانی علمی متفاوت است و این تفاوت در همهٔ ابعاد آن، از متن مورد نظر گرفته تا نحوهٔ ارائه و حتی مخاطبان، مشهود است. در میان خطابه‌های سیاسی نیز تفاوت‌های بسیاری وجود دارد؛ زیرا سخنرانی تبلیغاتی کاندیدایی جهت جلب نظر و اخذ رأی و بیان موضع خویش با سخنرانی همان شخص پس از به‌دست آوردن کرسی پارلمان، تفاوت‌های نهادینه‌ای دارد. ضرورتاً سبک اقناع‌سازی در این دو نوع سخنرانی متفاوت است. الگوی ایده‌آل در این جایگاه شاید قابل توجه و درخور مطالعه در پارلمان‌های موازی باشد؛ اما از صفر تا صد درصد یک الگوی سخنرانی مخصوص یک پارلمان را نمی‌توان به سایر مجالس تعمیم داد؛ زیرا بنا بر تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مصلحتی حاکم باید اصول اصلی را بومی‌سازی و شخصی‌سازی کنیم تا سخنرانی و خطابه‌ای درخورِ بافت مجلس خود داشته باشیم.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش کانون‌های اصلی رتوریک را در بستر گفتمان سیاسی حاکم بر مجلس شورای اسلامی در نمونه‌هایی از نطق عمومی نمایندگان بررسی می‌کنیم. برای دستیابی به الگوی رتوریک نطق عمومی ایده‌آل، این بررسی‌ها در نطق عمومی تمامی تمامی نمایندگان از ابتدای شروع به کار مجلس دهم تا تعطیلات تابستانی سال ۱۳۹۶ انجام شده است. از آنجایی که نگارش تمامی نتایج حاصل از این تحلیل‌ها که میانگین قریب به ۱۰۰۰ دقیقه فیلم است به علت محدودیت فضای نگارشی امکان‌پذیر نیست. در این مقاله تنها به نگارش تفضیلی دو مورد از نطق‌های انجام‌شده بسنده می‌کنیم. به این منظور، مطالعه و بررسی به تفکیک دو فراکسیون سیاسی حاکم بر مجلس صورت گرفت. در اینجا دو گزینه را به نمایندگی از فراکسیون امید (گزینه اول) و فراکسیون ولایت (گزینه دوم) با چند مثال از نطقشان ذکر می‌کنیم.

در بررسی بخش اِتوس در همه مواردی که بررسی شد، تقریباً نسبت مساوی میان افراد برقرار است؛ یعنی پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، خصایص بارز انسانی و اخلاقی، ادب‌ورزی، پایبندی به اصول اولیه دغدغه‌مندی برای نمایندگان، دلسوزی و پیگیری مطالبات مردم و اشراف بر منطقه تحت پوشش خود در همه موارد به نسبتی خوب و برابر وجود دارد. این شباهت حاکی از چند نکته مهم است که در مراحل پیش از درست گرفتن کرسی مجلس ریشه دارد و آن سیر قانونی تأیید صلاحیت افراد مبنی بر شایستگی حضور است که می‌توان انتظار داشت تقریباً همگی در این اصول مشترک انسانی تفاهم داشته و خط سیر یکسانی را برای احراز صلاحیت طی کرده‌اند؛ زیرا در غیر این صورت هیچ دلیل موجهی نمی‌تواند انگیزه حضور در آن مکان را توجیه کند. از طرفی گزینه انتخابی مردم نیز حاکی از نیاز آن‌ها برای فرستادن افراد مسئولیت‌پذیر به خانه ملت است که این امر فراتر از گرایش‌های سیاسی حاکم است؛ اما تفاوت در بیان نوع دغدغه‌مندی‌های مردمی این افراد با توجه به گرایش سیاسی آن‌ها در خور توجه است:

گزینه ۱: «مردم راه غلبه بر مسائل پیش‌رو را گفت‌وگو و مردم‌سالاری می‌دانند و در عین حال در رفع محدودیت‌ها برای حضور همه اندیشه‌ها و ظرفیت در توسعه همه‌جانبه کشور تأکید دارند».

«بیباید و بیبایم با تمکین به این قاعده دموکراتیک به دنبال گفت‌وگو و اجماع ملی بر سر همه

مسائل کشور باشیم و با هم همه آنها را حل کنیم».

«اجماع ملی گذر از سوطن به حسن ظن هاست».

«فرصت‌ها را از دست ندهیم».

گزینه ۲: «در روزهایی که دلواپسی‌هایمان اگر بیشتر از پیش‌برجام نباشد، کمتر از

پس‌برجام نیست...».

از مثال‌های دست‌یافته این‌گونه برمی‌آید که ادبیات غالب در فراکسیون امید دعوت به هم‌دلی و اتحاد و عملکردهایی فراچناخی است؛ درحالی که در جناح رقیب دردمندی و دغدغه‌های ملی با ادبیاتی منوط به دوقطبی‌سازی و غیریت‌سازی، یعنی ایجاد ما و دیگری، استوار است. در موارد خنثاتر از این دیدگاه نیز شاهد سیاه‌نمایی و اغراق از وضعیت مشکلات هستیم.

در بخش پاتوس بررسی‌ها حاکی از آن است، نشانه رفتن ضمیر درونی و وجدان مخاطبان که نمایندگان حاضر در صحن هستند از سوی فراکسیون امید با تشویق به همکاری و اتحاد همسوست؛ یعنی تیر برقراری ارتباط با مخاطب از سوی این سخنوران با دعوت به اتحاد و مشارکت در حل کردن مسائل نشانه‌گیری شده است:

گزینه ۱: «قدرتان مشارکت مردم بوده و بر رفع مشکلاتشان کمر همت ببندیم».

«من به‌عنوان نماینده همه ملت ایران...».

«ما در فراکسیون امید راه تعامل و همیاری و همکاری با سایر فراکسیون‌ها در پیش

گرفته‌ایم و انتظار همیاری داریم...».

موارد موازی در نمونه‌های رقیب نیز حاکی از به‌کارگیری عواطف و وجدان نمایندگان با سوق دادن آن‌ها به ارزش‌های گذشته است و خلاف گزینه قبلی که افق پیش‌رو را هدفی برای اتحاد می‌داند، در این نمونه شاهد بیدار کردن ارزش‌های پشت‌سر و زیرساختی بنیان کشور و انقلاب هستیم و با به‌کارگیری پرسش و مطرح کردن چرایی عمل نماینده شدن، وجدان نمایندگان مورد خطاب و راه ورود به ارتباط قلبی با آن‌ها ایجاد می‌شود:

گزینه ۲: «امروز روز فناوری هسته‌ای است و شهدای هسته‌ای ما نگران عملکرد ما

هستند».

«حاکمیت اسلام... هدف انقلاب چه بود؟..... به کجا رسیده‌ایم...».

«توجیه کردیم همه کارهایمان را».

«به کجا می‌رویم...؟».

در سنجش بخش لوگوس از آنجایی که در نطق عمومی قالباً نمایندگان اول به موضوعات برجسته و چالش برانگیز روز کشور یا حوادث تاریخ‌نگاری شده می‌پردازند و احياناً تبریكات یا تسلیت‌های درخور رویدادها بیان می‌شود، پس از بیان موضع شفاف نسبت به موارد اعلامی یا به‌کارگیری روشی برای پاسخ‌گویی به آن، به بیان مطالبات خاص مردم و منطقه خویش می‌پردازند. همچنین، در ارائه مطالبات و پیشنهادات در صورت نیاز استفاده از استدلال‌های درخور و یا ارجاعات مستدل، اهمیت فراوان دارد. این روند تقریباً یک روند ثابت در بستر نطق‌های عمومی است و می‌توان این الگو را از آن جهت منطقی دانست که هم از یک سو در راستای برتری و تفوق منافع ملی بر منطقه‌ای قابل توجیه است و هم به دلیل تأثیرگذاری وقایع روز و یا حوادث تقویمی بر رویکرد عمومی جامعه محل توجه است.

در گزینه ۱ شاهد توجه دقیق به تک‌تک وقایع در ماه ایراد خطابه مورد نظر بودیم؛ با «تبریک شروع ماه رمضان» و سپس اشاره به تاریخ‌های خاص در ماه خرداد با تفسیری کوتاه، موجز و در خور همراه بوده است؛ برای مثال «پنجاه و چهارمین سالگرد ۱۵ خرداد که به فرموده امام راحل نقطه امید به راهی است»، «۲ خرداد روز پیروزی مردم‌سالاری در ایران بیست‌ساله شد» و ... و از آنجا که مردم با مشارکت وسیع در انتخابات نشان دادند که «با همه مشکلاتی که دارند راهی را که دولت تدبیر و امید برگزیده است بر وعده‌های دیگران ترجیح داده‌اند» و این استدلالی در جهت سخت‌کوشی بیشتر دولت‌مردان در مسئولیت‌پذیری و پاسخ به نیازهای مردمی در دوره پیش روست. همچنین، استدلال دیگری مبنی بر «اتحاد مردم در همدلی و بیان آنچه می‌خواهند همان رفع حصر به عنوان فصل مشترک این اتحادهاست». «اجماع ملی به تمامی موارد نظیر اشتغال مولد، مسائل زیست‌محیطی، ساختارهای اداری و اجرای، مطالبات جوانان و نخبگان و اجماع بر سر چالش‌ها و آبر چالش‌های پیش‌رو توصیه شده است».

گزینه ۲ طبق شروع‌های متداول انجام شده است و با قرآنت آياتی ادامه پیدا می‌کند. بسیار مناسب است هنگامی که تلمیحات و اشارات به آیات قرآنی طولانی‌تر از چند کلمه می‌شود حداقل گوینده به سوره و آیه مورد نظر ارجاع دهد یا در صورت اقتضای زمان معنی مربوطه را نیز ارائه دهد تا مانند این مورد از ابهام جلوگیری شود؛ البته آیات و اشارات متداول با این ابهام همراه نیستند. در ادامه حکایتی مملو از استعاره و کنایه دربرگیرنده اصل موضوع مورد

بررسی گزینۀ ۲ بوده است. در صورت ناموفق خواندن رویدادی استفاده از چنین داستان‌هایی شاید به جلب نظر مخاطب منجر شود؛ اما زبان تلخ و پر از کنایۀ ناطق در تخریب وجهۀ وی تأثیر بسزایی دارد: «اهالی برجام تمام تخم‌مرغ‌های شانسی خود را در سبد مذاکرات سیاسی گذاشتند و از مزرعه و آبادانی غفلت کردند به امید اینکه آخر یکی از این تخم‌مرغ‌ها تخم طلا باشد. غافل از آنکه گربه‌ای بی چشم و رو در کمین بود و مرغ و تخم‌مرغ را با هم بلعید». در اعتراض به فرایند فوق، داستان راوی فاقد استدلالی جهت شفاف‌سازی نظر وی است.

مجموع بررسی‌ها در نطق‌های عمومی حاکی از ضعف گسترده در جاگذاری‌ها دارد. البته این مورد همیشه قابل تعمیم به عام نیست. جابه‌جایی در توالی‌های مربوطه که پیش‌تر بیان شد در بستر نطق عمومی پارلمانی، موجودیتی ندارد؛ زیرا باید با جاگذاری صحیح آسان‌ترین راه برای اثرگذاری در مخاطب و بیان بیشینه مطالب در کمینۀ زمان به انجام رسد. این مورد را می‌توان به میزان تجربۀ نماینده از تقسیم‌بندی نطق با زمان ارتباط داد. در این صورت پس‌کم-تجربگی در ارائه نطق عمومی را می‌توان دلیل ناکارآمدی این بخش برای برخی ناطقین بدانیم. اما مواردی نیز برخورد داشته‌ایم که برعکس بوده؛ یعنی نماینده فارغ از بحث تجربه در هماهنگی زمان و مراحل خطابه خود موفق یا ناموفق بوده است. در این صورت می‌توان انتظار داشت مهندسی متن مورد نظر پیش از ارائه و تقسیم‌بندی تلویحی آن با زمان فرضی پیش‌رو، ذهن نماینده را در اولویت ارائه‌ها و یا بازنگری در چینه متن روشن‌تر می‌کند و فرایند ارائه از سوی وی و دریافت از سوی مخاطبان سهل‌تر می‌شود.

در بخش فصاحت، یعنی میزان استفاده از عناصر زیبایی کلام، می‌توان انتظار داشت که نمایندگان در رعایت آن می‌کوشند؛ اما به علت انتخاب‌های نادرست، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌آید. تشبیه و استعاره پر بسامدترین ابزار در زیبایی متن است؛ اما به همین نسبت باید در کاربرد آن‌ها دقت کرد؛ زیرا معنای انتقالی آن‌ها بعضاً می‌تواند حاشیه‌ساز باشد. زیبایی متن سخنرانی در این نیست که از تمامی ابزارهای فصاحت با هم بهره بگیریم، در این صورت نه تنها متن مورد نظر را پیچیده کرده‌ایم، بلکه بر دریافت و میزان زیبایی آن نیز تأثیر معکوس گذاشته‌ایم. برای مثال با توجه به ذی‌وقت در ارائه، استفاده از هم آیات قرآن و هم ابیات بر وجهۀ زیبایی آن تأثیر مثبتی نمی‌گذارد. همچنین ضمن رعایت چگونگی استفاده موازی از این ابزارها، باید از تکرار تنها یک مورد به‌کرات پرهیز کرد. برای مثال تکرار بیش از اندازه جملات به

صورت پرسش توسط ناطق، روند سخنرانی وی را در همان زمان محدود، تکراری جلوه می‌دهد. از میان سایر ابزارهای متداول در فصاحت، استفاده از عبارات سه‌تایی نیز بسامد بسیاری دارد. این عبارات در بیان بر اساس تعداد واج‌ها اصولاً راحت‌تر و در ذهن مخاطب ماندنی‌تر هستند. بارزترین مثال از این قبیل عباراتی است که زمینه بهره‌گیری از آن چندین ساله است: «عبارت استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی». متأسفانه ابزارهای مدرن‌تر مانند آنتی‌تزاها یا عبارات «نه‌تنها... بلکه...» در موارد مورد بررسی کمتر به چشم می‌خورد که این حاکی از لزوم به‌روزرسانی بخش فصاحت در گفتمان نمایندگان است.

بررسی ارائه و سنجش کیفیت آن یکی از مواردی است که علاوه بر ویژگی‌های شخصی افراد می‌تواند تا حدی به فضای حاکم در آن زمان خاص ارائه سخنرانی نیز بستگی داشته باشد. بلندی صدا از مواردی است که اکثریت قریب به اتفاق سخنرانان آن را با فریاد کشیدن اشتباه می‌گیرند. در واقع، در صحن علنی مجلس به جای آنکه شاهد ارائه نطق‌هایی با صدایی بلند و رسا باشیم، غالباً با فریاد مواجه هستیم. نسبت بلندی صدای ارائه برای خانم‌ها و آقایان متفاوت است. و علت اصلی این حجم بلندی فریادگونه تلاشی برای رساندن صدای ناطق به صحن بعضاً شلوغ مجلس است که در مواردی صدای مهمه بر صدای ناطق فائق می‌آید. البته انتظار می‌رود نظر به جذابیت سخنرانی و اهمیت آن و لزوم تمرکز همگان، سکوت بیشتری بر فضا حاکم باشد. قوی بودن صدا که بیشتر به علت کیفیت صدای مردانه، از ویژگی‌های صدای مردانه است، نیز قربانی فریادها می‌شود.

چنانچه بلندی صدا و قوی بودن آن - که مبنی بر عدم لرزش و اعتماد به نفس است - با سرعت مناسب در بیان واژه‌ها همراه شود به ارائه‌ای شیوا منتج می‌شود؛ حال آنکه در بانوان به علت ضعیف بودن صدای زنانه نه‌تنها شاهد صدایی بلند به‌مثابه فریاد و جیغ هستیم؛ بلکه عواملی مانند سرعت بالای ادای کلمات، عدم وجود مکث، استرس و بالا و پایین کردن صدا و تغییر نکردن لحن صدا نیز بر نامفهوم بودن مواردی افزوده است. مخصوصاً بیان عبارات عربی یا اشعار با سرعت بالا و یا ارائه آمارها و تاریخ‌ها با صدای نامفهوم و سرعت بالا از عوامل ضعف در ارائه به‌شمار می‌رود. از طرفی در بیشتر موارد فراکسیون ولایت افت و خیز مناسب صدا با تن صدایی قوی از اعتماد به نفس قوی در این ناطقین خبر می‌دهد و نیز خود از جهتی حاکی از نبودن اعتماد به نفس کافی برای ناطقین فراکسیون امید است. حرکات بدنی،

ارتباط چشمی، تغییر زاویه بدن از موارد ظاهری هستند که اتفاقاً تأثیر بسزایی بر دریافت مخاطبان و میزان توجه آن‌ها به ناطق را دارند که غالب ناطقین فراکسیون امید از عدم مدیریت خود بر این بخش رنج می‌برند.

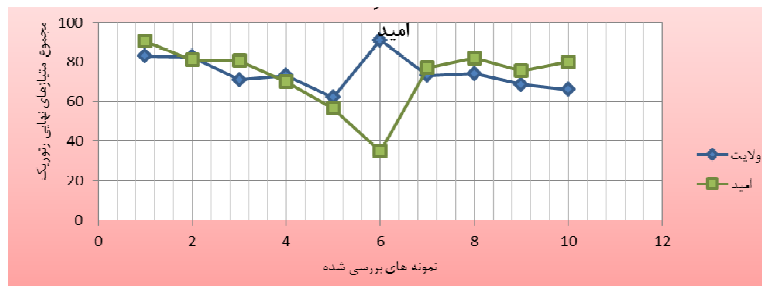
سنجه به‌خاطر سپاری قطعاً تحت جو حاکم بر صحن هنگام سخنرانی و حتی فشار روانی ناشی از ایراد کردن نطق در حضور افرادی همگی آگاه و مسئول، با ضعف روبه‌رو خواهد بود. داشتن چک لیستی جهت یادآوری تقسیم‌بندی‌ها، حاوی موارد کلیدی برای بیان کردن، حتی با توجه به زمان مقتضی دسته‌بندی اولویت‌های مورد بیان کمک شایانی به این مشکل می‌کند؛ در صورتی که در اکثریت موارد نطق عمومی از هر دو فراکسیون، شاهد روخوانی متون سخنرانی توسط ناطقین هستیم که نه تنها جلوه ناخوشایندی هنگام ایراد سخنرانی فراهم می‌کند، بلکه بر میزان اقتناع و توجه مخاطبان نیز نتیجه سوء درپی خواهد داشت.

باتوجه به سنجه‌های مورد بررسی در هر کانون، امتیازی برای هرکدام در نظر گرفته شده است. این امتیازها به منظور سهولت در بررسی به ابتکار نگارندگان بوده تا طرح شماتیک رتوریک نطق سوژه‌ها منوط به اعداد امتیاز به‌دست آمده قابل طراحی باشد. برای شاخص‌های سه کانون مهم اولیه یعنی اتوس، پاتوس و لوگوس و همچنین دو کانون اثرگذار جاگذاری و ارائه هر کدام ۱/۵ امتیاز و دو کانون فصاحت و به‌خاطر سپاری هر کدام ۱ امتیاز در نظر گرفته شده است. به این صورت مجموع امتیاز برای یک رتوریک نطق عمومی کامل ۱۰۰ خواهد شد. در جدول ۱ امتیاز کامل از یک نطق کامل و سپس دو گزینه مورد بررسی را برای نمونه مشاهده می‌کنید:

جدول ۱: امتیاز رتوریکی کسب‌شده در دو گزینه مورد بررسی
Table 1: Rhetorical score obtained in the two selected options

مجموع	به‌خاطر سپاری	ارائه	فصاحت	جاگذاری	لوگوس	پاتوس	اتوس	
۱۰۰	۵	۲۱	۱۷	۱۰.۵	۱۳.۵	۱۵	۱۸	گزینه کامل
۹۰.۵	۳	۱۳.۵	۱۷	۱۰.۵	۱۳.۵	۱۵	۱۸	گزینه ۱
۸۳	۵	۱۵	۱۲	۹	۹	۱۵	۱۸	گزینه ۲

امتیاز نهایی کسب شده در هرگزینه، می تواند معیار مناسبی برای سنجیدن سطح رتوریک و جایگاه رتوریک گزینه مورد نظر باشد. به عبارت دیگر، امتیاز رتوریک نهایی هرگزینه نشان دهنده سطح رتوریک آن نماینده در نطق عمومی خود در تاریخ ایراد آن است.



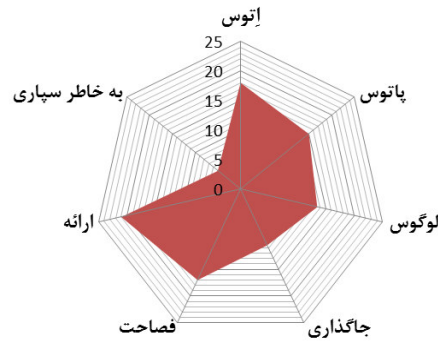
نمودار ۱: مقایسه پراکندگی امتیاز نهایی رتوریک در دو فراکسیون ولایت و امید

Figure 1: Comparison of the dispersion of the rhetorical final score in two Velayat and Omid parliamentary groups.

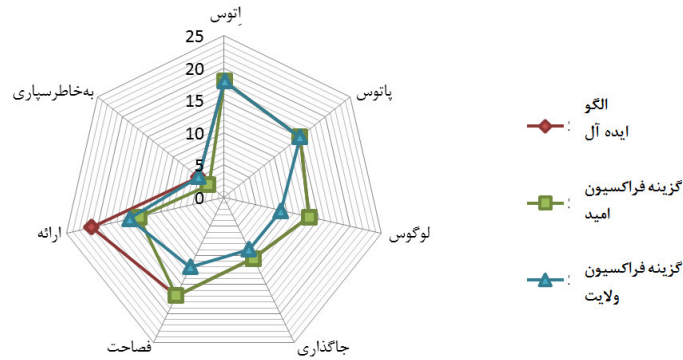
در نمودار ۱ سطح کیفی پراکندگی نمونه های بررسی شده را مشاهده می کنیم. نوع پراکندگی ها حاکی از این امر است که در مواردی نمایندگان از سوی فراکسیون ولایت و در مواردی فراکسیون امید، امتیاز بالاتری دارند؛ اما هیچ کدام رسماً بر گروه مقابل برتری و توفیق ندارد؛ بلکه نهایتاً خط سیری نسبتاً مشابه را طی می کنند. اما نظر به توضیحات فوق در خصوص چگونگی تحلیل کانون های رتوریکی، شاهد تفاوت در نوع کیفی داده های دریافتی و تفاوت در سنخ موارد هستیم؛ پس تفاوت های کیفی متضمن تفاوت های کمی داده ها نیست و این نشان دهنده این امر است که هر دو طیف سیاسی و گرایش تفکری نهایت تلاش خود را برای بالابردن سطح رتوریک خود و اقناع مخاطبان به کار می گیرند؛ ولو این حقیقت که راه و ابزار اشتباهی را در جهت به ثمر رسیدن تلاش های خود به کار می گیرند.

با توجه به نتایج به دست آمده می توان شکل الگوی کیفی رتوریک پارلمانی قابل قبول را مانند مدل ۱ معرفی کرد. الگوی رتوریک پارلمانی می تواند به عنوان یک الگوی کامل در این حوزه، همچون قرار گرفتن الگوی خیاطی بر پارچه، بر پیکر متن سخنرانی قرار بگیرد و آن را مطابق معیارهای خود تغییر دهد و نزدیک ترین فرم را به الگوی اصلی به دست آورد تا شکل

قابل قبولی به خود بگیرد. این الگو، که در جهت حرکت ساعت شروع و موارد کانونی اصلی در متن نطق را به ترتیب بررسی می‌کند، در آن اولویت طبقه‌بندی و امتیاز هر کانون رتوریک لحاظ شده است. الگوی حاصل می‌تواند الگویی پیش‌فرض از رتوریک پیشنهادی پژوهش را به تصویر بکشد؛ یعنی چنان‌که الگوی یک سخنرانی با این الگو منطبق نباشد، نشان‌دهنده ضعف رتوریک مربوطه است و با تعیین میزان انحراف و موارد انحرافی می‌توان از تکرار ضعف و نهادینه شدن آن در الگوی سخنرانی فرد مورد نظر جلوگیری کرد. مدل ۲ مقایسه الگوی دو گزینه نمونه با الگوی ایده‌آل است.



مدل ۱: الگوی رتوریک پارلمانی پیشنهادی
Model 1: Rhetoric parliamentary pattern proposed



مدل ۲: الگوی رتوریک ایده آل در مقایسه با رتوریک نقتص از هر دوفراکسیون
Model 2: An ideal rhetoric model in comparison to an incomplete rhetoric of any parliamentary groups. two

۵. نتیجه

هفت کانون‌های اصلی سنجش در رتوریک سنتی را در بستر گفتمان سیاسی مجلس شورای اسلامی بازتعریف و جرح و تعدیل کردیم. سپس با توجه به درجه اهمیت و تأثیرگذاری سنجه‌ها با تعیین سقف امتیاز ۱۰۰، به هرکدام امتیاز ویژه دادیم. نتیجه این تخصیص امتیاز به دست آمدن ۷ عنوان مورد سنجش بوده است که هرکدام دارای سنجه‌های درونی‌تری با امتیاز ویژه خودشان هستند. از آنجا که گفتمان جاری در مجلس برحسب قوانین موجود و آئین‌نامه داخلی آن، موضوع و اسلوب‌های مختلف دارد، دریافتیم که این نوع سنجش و امتیازدهی برای خطابه‌های عمومی نمایندگان که ذیل فصل نطق عمومی در مجلس ایراد می‌شود، قابل بررسی است. همان‌طور که ذکر شده بود این نطق‌ها مکان بیان مطالبه‌گری‌های مردمی هر حوزه انتخابی توسط نماینده خودشان است و همچنین مکانی برای نشان دادن موضع‌گیری‌های سیاسی نمایندگان در خصوص امور جاری در کشور.

با اندکی تأمل و مطالعه تطبیقی همه این نطق‌های انجام‌شده از ادوار گذشته مجلس تا به امروز در می‌یابیم که همه آنها از یک فرایند برای ارائه و رساندن پیام به مخاطب و در یک

کلام از یک سبک رتوریک بهره می‌برند؛ یعنی رتوریک پارلمانی باید رتوریک دینامیک و پویا باشد تا از یک سو با پذیرفتن ویژگی‌های خاص رتوریک در بستر پارلمان بتوان آن را تثبیت- شده بدانیم و آن را رتوریک خاص پارلمان یا رتوریک خاص مجلس شورای اسلامی تعریف کنیم؛ و از یک سو باید با گذشت زمان با به‌روز شدن سبک مسائل پارلمانی خود را با آن همسو کند و در جهت هماهنگی با آن به‌روز شود و تغییر کند. از آنجا که بررسی و کاوش در حداقل یک نطق عمومی از هر نماینده، تحلیل متن آن و بررسی تک‌تک کانون‌های رتوریک آن و سرانجام دستیابی به الگو و مقایسه تطبیقی آن با الگوی کارآمد و ارائه راه‌حل اصلاح ضعف رتوریک‌اش، همگی برای ۲۸۹ نماینده مجلس شورای اسلامی فرایندی ممکن، اما مشمول فضای نگارشی وسیعی است. تنها به ذکر چند نمونه از نحوه امتیازدهی‌ها، شیوه تحلیل متن نطق و چگونگی تدوین الگو بسنده کردیم که در مجموع ضعف ناطقین را در ارائه، جاگذاری بخش‌های سخنرانی و فصاحت کلام به همراه داشت. از طرفی توجه به سطح کیفی بخش لوگوس و استدلال‌ورزی در نطق باید مورد توجه و دقت مضاعف ناطقین قرار گیرد.

آنچه از توجه به آن نباید غافل شد تفاوت رتوریک میان نمایندگان خانم و آقایان است و اینکه همواره میزان امتیاز نهایی بانوان نسبت کمتری در برابر آقایان داشته است. ضعف در به- خاطر سپاری و نوع ارائه فصل مشترک رتوریک این دودسته است؛ اما نمی‌توان از تفاوت‌های پاتوس که مربوط به مجموع گروه فراکسیون بانوان است چشم‌پوشی کرد. پاتوس ارائه شده از سوی بانوان در جذب مخاطبان و برقراری رابطه قلبی با آن‌ها بعضاً شکلی زنانه و ادبیاتی نرم می‌یابد که در فضای مردانه صحن مجلس به حاشیه رانده می‌شود و آن را در سطح گفتمان سیاسی قدرتمند در نظر نمی‌گیرند؛ مانند «به نام خداوند رنگین کمان‌ها». همچنین ممکن است به علت اینکه خانم‌ها خواستار رساندن سطح گفتمان خود به سطح قدرت گفتمان مردانه هستند و به جهت حفظ شئون، از توجه حداکثری به بخش پاتوس غافل شوند و از تأثیرگذاری آن بکاهند. استفاده درست و به اندزه از ابزار تزیین کلام و فصاحت کلامی و همچنین تأکید بر بلندی صدا در حد مطلوب تا از ایراد سخنرانی فریادگونه جلوگیری کند، از نکاتی هستند که باید مورد توجه نمایندگان خانم قرار گیرد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Sophists
2. Rhetoric
3. Dialectic
4. Protagoras
5. Isocrates
6. Quintilianus
7. Cicero
8. Orator
9. Campbell, G.
10. Perellman
11. Foucault, M.
12. subject
13. audience
14. speaker
15. Martianus
16. invention
17. disposition
18. elocution
19. pronuntiatio / actio
20. memoria
21. Brett & Kate McKay
22. phronesis
23. arete
24. eunoia
25. Labov
26. prooemium
27. narration
28. division
29. confirmation
30. rejection
31. peroration
32. tropes
33. alliteration
34. anaphora
35. antithesis
36. chiasmus
37. Gradatio
38. tricolon

۷. منابع

- «اهمیت و نقش مجلس شورای اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» (خرداد ۱۳۹۶).
<http://nahad.umz.ac.ir/article/1-14-984.html>
- خرمی، مهدی (۱۳۹۲). «بلاغت تکرار در قرآن و شعر قدیم عربی (جاهلی)». *جستارهای زبانی*. ش ۵ (۲). صص ۹۱-۱۱۰.
- خندان، علی اصغر (۱۳۸۴). *مغالطات*. چ دوم. قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- رمضان‌کیایی، محمدحسین و ایمان منسوب‌بصیری (۱۳۹۱). «ویژگی‌های بلاغی انثید و پیشینه آن در ادب لاتین: بررسی تطبیقی». *جستارهای زبانی*. ش ۳ (۴). صص ۱۲۱-۱۳۳.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. تهران: سوره مهر.
- فتوحی، محمد (۱۳۸۶). «نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی». *ادب پژوهی*. ش ۳. صص ۹-۳۷.
- لطفی، محمدحسن و رضا کاویانی (۱۳۹۰). *ترجمه افلاطون، دوره آثار افلاطون*. ج ۲. رساله اوتیدم. تهران: خوارزمی.

References:

- Cockcroft, R. & S. Cockcroft (2005). *Persuading people: An Introduction to Rhetoric*. 2nd edition (1st edition 1992). Palgrave Macmillan. xii+ xiii + 257. Pp. ISBN-10: 1-4039-2182-2
- Condor, S. et al. (2013). "Political Rhetoric". *The Oxford Handbook of Political Psychology* (2 ed.). In Leonie Huddy, David O. Sears, and Jack S. Levy (Ed.).
- Fotouhi, M. (2007). "A critical view on the theoretical foundations and traditional rhetorical method". *Adab Pazhouhi*. No.3. Pp. 9-37. [In Persian].
- Herrick, J.A. (2005). *The History and Theory of Rhetoric*. (3rd Ed.). Boston: Pearson Education.
- Hubbell, H.M. (1994). Trans: *Cicero, De Inventione*. Cambridge, Harvard UP.
- "Importance and role of the Islamic Consultative Assembly from the view point of

of Supreme Leader”. May 2017. Retrieved from : <http://nahad.umz.ac.ir/article/1-14-984.html> . [In Persian].

- Ilie, C.(2008). *Rhetoric and Language*. In Wolfgang Donsbach (Ed): The International Encyclopedia of Communication. Singapore: Blackwell Publishing.
- Kennedy, G.A. (1991). Trans: *Aristotle, On Rhetoric: A Theory of Civic Discourse*. New York: Oxford UP.
- Khorrami, M. (2013). “Rhetoric of repetition in Quran and old Arabic poetry (Jahili)”. *Language Related Research* . No (5)2. Pp. 97-110 [In Persian].
- Klyn, M. (1968). “Towards a Pluralistic Rhetorical Criticism”. In *Essays on Rhetorical Criticism*. (ed.) Thomas R. Nilsen. New York: Random House.
- Labov, W. (1972). *Language in the Inner City: Studies in the Black English Vernacular*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Lotfi, M. & R. Kaviani, (2011), *Plato's Translation: The Review of Plato's Works*. #2. Apology. Teharn. Kharazmi. [In Persian].
- May, J.M. & J. Wisse, (2001), Trans: *Cicero, On the Ideal Orator*, New York: Oxford UP.
- McHoul, A. & W. Grace, (1997), *A Foucault Primer: Discourse, Power and the Subject*. New York: University Press.
- Mirhady, D.C. & Y. LeeToo, (2000). Trans: *Isocrates, Antidosis*. Austin: University of Texas Pub.
- Ramezankiaei, M. & I. Mansoub basiri, (2012), “Aeneid’s rhetorical features and its precedent in Latin literature: A comparative study”. *Language Related Research*. No.3(4). Pp 121-133 .[In Persian].
- Randall, John H, Jr. (1960). *Aristotle*. New York: Columbia University Press.
- Roskelly, H. (2008). *What Do Students Need to Know About Rhetoric? Special Focus in English Language*. Download in June 2017: http://apcentral.collegeboard.com/apc/members/repository/ap06_englang_roskell

y_50098.pdf

- Safavi, K. (2011). *From Linguistics to Literature*. Tehran: Soureya Mehr .[In Persian].
- Stahl, W.; R. Johnson & E.L. Burge, (1977), Trans: *Martianus Capella and the Seven Liberal Arts*. Vol. 2. New York: Cornell UP.
- Xandan, A. (2005). *Moghaletat* (Sophistical Refutations). 2nd ed. Qom. Center for Islamic Propaganda. [In Persian].